

واپس‌زدگی اجتماعی؛ آسیب‌شناسی روابط همبالینی

دکتر حمید دهقانی^۱، فاطمه اکبرزاده^۲، دکتر علی هاشمیان‌فر^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۲/۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

چکیده:

در سال‌های اخیر موضوع مهمی که در بحث پاسخگویی به نیازهای جنسی زن و مرد ترویج پیدا کرده است، رابطه همبالینی می‌باشد که در ایران نه تنها از جایگاه قانونی، شرعی و عرفی برخوردار نیست بلکه مشکلات زیادی را به دنبال دارد. در این پژوهش تلاش می‌شود به انگیزه‌ها و پیامدهای این سبک جدید از رابطه پرداخته شود. پژوهش حاضر با استفاده از روش داده بنیاد (اشتراوس و کوربین)، از طریق مصاحبه با تعداد ۱۷ نفر از کسانی که وارد رابطه همبالینی شده انجام شد. بعد از کدگذاری داده‌ها ۱۱ مقوله محوری میل به فردگرایی، تجربه ناموفق عاطفی، تردیدها و ترس‌ها، آشنایی با سبک نوین رابطه، میزان آسیب و مشکلات درون خانواده مبدأ، شرایط اقتصادی ناامن، پنهان‌کاری، نفی آسیب‌دیدگی، احساس عدم امنیت، انزوای فردی و گسست عمیق با خانواده استخراج شد. واپس‌زدگی اجتماعی نیز به‌عنوان مقوله اصلی پژوهش انتخاب شد. در واقع خط سیر واپس‌زدگی اجتماعی افراد همبالین، پیرو فاصله گرفتن از جامعه، کم‌رنگ شدن رابطه با خانواده، قطع ارتباط با آشنایان، روابط محدود و انزوای اجتماعی است که حاصل می‌شود.

مفاهیم کلیدی: آسیب‌شناسی، همبالینی، واپس‌زدگی، روش داده بنیاد

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

h.dehghani@ltr.ui.ac.ir

^۲ دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران Irandokhtakbarzadeh2@gmail.com

^۳ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

ورود جریان مدرنیته به ساختار اجتماعی جامعه ایرانی و بالطبع ساختار اجتماعی خانواده ایرانی تغییراتی را در هنجارها و ارزش‌ها به وجود آورده و تأثیرات بسیار شگرفی بر چگونگی ارتباطات انسانی، سبک زندگی، ازدواج و غیره بر جای گذاشته است. وقتی که به وضوح شاهد آن هستیم که ویژگی بنیادین زمان گذشته "ثبات" بوده و ویژگی عصر حاضر "تغییر" است، دور از انتظار نیست که افراد جامعه دیگر مانند گذشته دارای افکار، عقاید و الگوهای مشابهی نباشند، بلکه هر گروه حتی هر فرد، از الگوهای رفتاری متفاوتی پیروی کنند.

تحول، دگرگونی و تغییراتی که در نگرش‌ها و باورها، هنجارها، آداب و رسوم مربوط به ازدواج و روابط پیش از ازدواج روی داده، به‌طور بسیار جدی نهاد خانواده را در عرصه روابط اجتماعی دچار مشکل نموده است (Shekarbeygi, 2008). بر همین مبنا، سرعت و شدت تغییرات شگرفی که در جامعه ما به‌ویژه در حوزه روابط انسانی و اجتماعی در حال وقوع هستند، انگیزه وسیعی برای پرداختن به موضوع تحقیق حاضر است. حال این تغییر چه ناشی از نوگرایی یا پیامدهای مدرنیته و جهانی‌شدن باشد و چه ناشی از بستر تحریف اجتماعی.

در همین راستا، یکی از چالش‌های بنیادی که جوامع در حال گذار از دوران سنتی به مدرن با آن دست به‌گریبان‌اند، روابط آزادانه دختر و پسر پیش از ازدواج است که در قالب‌ها و اشکال مختلفی پدیدار شده و یکی از جدیدترین نمودهای آن هم‌بالینی^۱ است. در جامعه ما این نوع از سبک زندگی پدیده‌ای است نو که در هیچ دوره‌ای بدین گستردگی چه در سطح رفتاری و چه در سطح نگرشی دیده نشده است. چرا که این روابط در فرهنگ، هنجارها، آداب و رسوم، و ارزش‌های جامعه ایرانی هیچ جایگاهی نداشته است. اما در سال‌های گذشته، با گسترش رسانه‌ها و دگرگونی‌های بنیادی در بستر زمینه‌های فرهنگی، جامعه‌پذیری، پدیده روابط و معاشرت پیش از ازدواج، از درون روابط بین شخصی در حال زایش است و یافته‌های پژوهشی نیز این گفته را تأیید می‌کند (Azadarmaki & et. al, 2012).

هم‌بالینی اگر چه در سراسر دنیا و از جنبه‌های مختلف همواره موضوعی در خور بررسی بوده، اما به نظر می‌رسد، در هیچ کشوری همچون ایران، این موضوع چالش برانگیز

^۱ cohabitation

و مسئله‌ساز نبوده است. مطالعه این همزیستی بدون ثبت، از آن جهت حائز اهمیت است که هم‌اکنون بیش از ۱۱ میلیون دختر و پسر ایرانی در سن ازدواج قرار دارند (Statistical Senter of Iran, 2021)؛ و بر اساس آخرین سرشماری سال ۹۵، حدود نیمی از جمعیت کشور (۴۹ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند که حدود یک چهارم این تعداد (حدود ۱۰ میلیون نفر) «دختران» جوانی هستند که مجرد بوده و تاکنون ازدواج نکرده‌اند (Online Economy Rport, 2019).

انقلاب جنسی اواخر دهه ۶۰ میلادی در کشورهای اروپایی و امریکایی رفته رفته سبک زندگی را تغییر داد. تا قبل از آن، این اعتقاد وجود داشت که نیازهای جنسی باید در چارچوب ازدواج برطرف شود اما بعد از آن، بنیان‌های فلسفی مختلفی بنا گذاشته شد، سن ازدواج افزایش پیدا کرد، فردگرایی شدت گرفت و شکل‌های جدیدی از زندگی خانوادگی به وجود آمد. این مسأله رفته رفته شکل بیشتری به خودش گرفت تا آنجا که آمریکای دهه ۷۰، شاهد ۴۰۰ هزار زوج هم‌بالین بود اما در دهه ۸۰ به یک میلیون و پانصد هزار زوج رسید و در سال ۲۰۱۰ آمارها هفت میلیون زوج را نشان می‌دهند که بدون ثبت ازدواج، زندگی مشترک دارند (Faramarzi & et. al, 2017).

در کشورهای دیگری مثل بریتانیا در سال ۱۹۹۷، سه درصد از زنان زندگی مشترک بدون ازدواج داشته‌اند اما این تعداد در سال ۱۹۹۸ به ۲۶ درصد رسیده است. کشورهای شرقی هم از این قاعده مستثنی نیستند به طوری که ژاپن در سال ۱۹۸۷ شاهد سه درصد زوج هم‌بالین بوده، در سال ۲۰۰۵ هشت درصد و در سال ۲۰۰۶ یعنی تنها یک سال بعد، این میزان با رشد چشمگیری به ۲۰ درصد رسیده است. این در حالی است که تعداد فرزندان هم که از این زندگی مشترک به دنیا می‌آیند در حال افزایش است به عنوان مثال در دانمارک، نروژ و سوئد، بیش از ۵۰ درصد کودکان در خانواده‌های هم‌بالین متولد می‌شوند. از ایران و بسیاری دیگر از کشورهای دیگر خاورمیانه، هیچ‌گونه آماری در دست نیست و با این که چنین شکلی از زندگی، زیر پوست جامعه در حال شکل گرفتن است، همواره با انکار رو به رو می‌شود (Ibid).

بالا رفتن نرخ بیکاری جوانان و به‌ویژه مردان و تعهدات قانونی‌ای که ازدواج به شیوه سنتی برای مردان ایجاد می‌کند، سوق‌دهنده جوانان به سمت جایگزین‌های غیر قانونی ازدواج، از جمله هم‌بالینی است. یکی دیگر از عواملی که می‌توان انتظار داشت در گرایش افراد به سوی هم‌بالینی مؤثر باشد، بالا رفتن طلاق است. افزایش هزینه‌های طلاق در جوامع، با کاهش منفعت حاصل از ازدواج همراه است (Zarabi, Mostafavi, 2011:7).

همبالینی شاید به نظر جوانان در نگاه اول مسیری آسان و بدون هزینه برای بودن با جنس مخالف است، اما در واقع این نوع سبک از زندگی هزینه‌هایی نیز دارد. این نوع از ازدواج به دلیل این که به صورت موقت، آزمایشی و بدون تعهد می‌باشد بسیاری از فواید ازدواج رسمی را برای دو طرف ندارد. این رابطه نه از سوی خانواده و نه نهادهای اجتماعی پذیرفته نمی‌شود. بنابراین می‌تواند آسیب‌های زیادی را به همراه داشته باشد. هر چند که ممکن است ارضای عاطفی و جنسی و سرنوشت یکسان اقتصادی به دنبال داشته باشد، اما به محض آشکار شدن، مردم با آن مخالفت می‌کنند و حمایت‌های اجتماعی از زوجین برداشته می‌شود. چرا که این پیوند از نظر حقوقی و قانونی هیچ جایگاهی ندارد (Abolfazli, 2018:4)؛ همچنین قطعی نبودن در مورد ثبات و طول عمر این نوع رابطه، سرمایه‌گذاری در آن را برای هر دو طرف پرخطر می‌کند. در ازدواج رسمی جوانان زمان زیادی کنار هم هستند و در این مدت مهارت‌هایی پیدا می‌کنند و به طرفشان اجازه می‌دهند نقص‌ها و ضعف‌هایی داشته باشند چون خودشان هم می‌توانند برای پر کردن نقاط ضعف خودشان به طرفشان تکیه کنند. این به این معنی است که زوج‌هایی که برای رابطه‌ای طولانی کنار هم ازدواج می‌کنند، بسیار بیشتر از کسانی که به‌طور موقت با هم هستند مهارت کسب می‌کنند. همبالینی کسب مهارت دو طرف را کمتر کرده و هزینه یادگیری این مهارت‌ها را بالا می‌برد. این زوج‌ها از یکدیگر توقع حمایت شدن دارند و عدم حمایت تهدیدی برای ارتباطشان خواهد بود. بنا به تحقیقات اخیر آمار همبالینی در ایران همچون سایر کشورهای دیگر، در حال افزایش بوده و گرایش به این نوع از سبک زندگی نیز رو به تزاید است. ضربه‌های تغییرات حکایت از تغییر کمی و کیفی در روابط عاطفی و روابط مبتنی بر عشق سیال (Azadarmaki & et. al, 2012) و گسترش روابط با چندین نفر به‌طور همزمان دارد (Khalijabadi & et. al, 2010). بر اساس اینکه تاکنون در پژوهش‌های پیشین به شکل ویژه، آسیب‌شناسی این نوع رابطه مورد بررسی قرار نگرفته است، عمده‌ترین مقصودی که ما در این پژوهش به دنبال آنیم پاسخگویی به این سؤال است که افراد همبالین در مسیر انتخاب این رابطه با چه مشکلاتی مواجه بوده‌اند؟ و ورود به این سبک از زندگی چه پیامدهایی برای افراد همبالین داشته است؟ از این‌رو، می‌توان ضرورت این پژوهش را در این دانست که در آن تلاش می‌شود به دلایل، انگیزه‌ها و پیامدهای ورود به این سبک جدید از رابطه با تأکید بر آسیب‌شناسی و پیامدشناسی پرداخته شود و مشکلاتی که در گذر زمان، افراد با آن مواجه می‌شوند را واکاوی کند. برای رسیدن به این مقصود از روش کیفی داده بنیاد استفاده شده است، چرا که استفاده از

روش‌های کمی در این حوزه نمی‌تواند اهداف پژوهش را به‌طور کارآمد برآورده سازد. و روش کیفی کمک می‌کند تا درک عمیقی از این موضوع با مطالعه نگرش‌ها و پنداشت‌ها و باورهای افراد به دست آید.

ادبیات و پیشینه پژوهش

نظریه برساختی تفسیری، انسان را موجودی فعال، خلاق و معنا‌ساز می‌داند که مدام در حال خلق و معنا‌دار کردن زندگی اجتماعی و واقعیات روزمره آن است؛ بنابراین، محیط اجتماعی بر خلاف نظریه، به خودی خود، بی‌معناست و به وسیله انسان‌ها و از طریق پیوند معانی و نمادهای عینی، معنا‌دار می‌شود. اگر انسان موجودی خلاق و معنا‌ساز باشد، واقعیات ساخته او، سیال، شناور و بدون ساختار و قواعد یکنواخت و جهان‌شمول خواهند بود (Denzin, 2005; Elliott, 2001). *Quoted from Mohammadpour, 2013: 195*.

رویکرد برساختی تفسیری معتقد است با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان، و نیز سیال بودن واقعیت اجتماعی مسیر و روش خاصی برای درک واقعیات و یا تغییر آنها وجود ندارد (Neuman, 2006, 2007; Blaikie, 2007). طبق این جهت‌گیری واقعیت به شکل واقعی وجود ندارد، بلکه به صورت اجتماعی ساخته می‌شود؛ یعنی اعضای یک جامعه، از طریق زبان، رفتار و حرکات خود، واقعیت را خلق و سپس در برابر این واقعیت، واکنش نشان می‌دهند. از طرف دیگر، از آنجا که تفسیر و درک مردم از دنیای پیرامون خود، در بستر زندگی اجتماعی روزمره شکل می‌گیرد، معانی آن نیز، به این بستر وابسته‌اند و در درون آن، معنا‌دار می‌شوند (Guba & Lincoln, 2005). رویکرد برساختی تفسیری پیوند نزدیکی با نظریه «کنش متقابل نمادین» دارد. مطابق آن، معانی تعاریفی هستند که افراد به اشیاء و رویدادها نسبت می‌دهند. معانی از طریق تعاملات اجتماعی با خود و دیگران شکل می‌گیرند و در نهایت الگوی رفتار فردی و جمعی می‌شوند. در این نظریه، تأکید اصلی بر روش‌های گوناگون معنا‌بخشی افراد به پدیده‌ها، رویدادها، تجربیات و عناصری مانند اینهاست. بر مبنای این فرض اساسی طبق قاعده روش‌شناختی لازم است دیدگاه فرد مد نظر، از نظرات گوناگون بازسازی شود. این بازسازی نخستین بار به‌صورت نظریه‌های شخصی تفسیر جهان، یا دست کم تفسیر حیطه خاصی از پدیده‌ها برای خود فرد است (Ritzer, 2015: 303). به‌طور کلی، مضامین مهم و اصلی نظریه فعالیت متقابل نمادین، عبارت‌اند از: اهمیت معنا، تعبیر و تفاسیر مختلف مردم و فعالان، اعتبار بخشیدن به معنا و

اهمیت دادن به ارزش‌های هنجاری و الگوها. در این پژوهش بر ساختی که افراد از شرایط خود دارند در انگیزه‌های ورود آنها به همبالینی و فرایندهای اجتماعی کنش آنها در این سبک زندگی اثربخش است. درک نگاه افرادی که با انتخاب‌ها و تصمیم‌ها و رفتارهای خود دست به خلق سبک نوینی از زندگی می‌زنند و این انتخاب‌ها خارج از ساختار اجتماعی و معنایی که آنها از تعاملات اجتماعی حضور خود با افراد جامعه می‌گیرند پدید می‌آید.

بیشتر ادبیات مربوط به همبالینی از یافته‌های تحقیقات جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نشأت گرفته شده، و جایگاه اصلی این ادبیات در علوم اجتماعی قرار دارد (Willets, 2006). منتقدان این رابطه معتقدند که واژه "ازدواج سفید" واژه درستی برای تبیین این نوع از خانواده نیست. آنها پیشنهاد می‌کنند که یک سری واژه‌های جایگزینی مانند "همبالیسی سیاه"^۱ یا "زندگی مشترک غیر قانونی"^۲ استفاده شود (Mahboubi, 2016:1284). به هر حال، این شکل از رابطه زن و مرد چه با نام «ازدواج سفید» و چه با نام «همبالیسی بدون ازدواج» خوانده شود، در عمل، یکسان بوده و در جامعه ایران از وجه قانونی و شرعی لازم برخوردار نیست و از حیث اجتماعی، عموماً نامطلوب و از نظر قانونی در صورت احراز، می‌تواند مجازات کیفری نیز در بر داشته باشد (Minouei, 2014:2).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود خاستگاه همبالیسی غرب است. روند اشاعه آن نیز هر چند در غرب صورت گرفته اما در سالیان اخیر همچون سایر نقاط جهان در کشور ما نیز پدیدار گشته است. پژوهش‌های متعددی نیز چه در ایران و چه در خارج از کشور ما در مورد این موضوع انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف) تحقیقات داخلی

رمضانی‌فر و آدیش (۱۳۹۷)، به «مطالعه تجربه زیسته افراد در مورد ازدواج سفید در ایران (مطالعه کیفی جوانان شهرستان گیلان)» پرداختند. نتایج تحقیق نشان داده است که ازدواج سفید در میان جوانان رواج یافته است و عواملی چون وضعیت اقتصادی، مشکلات مربوط به طلاق، کاهش کنترل والدین، نیازهای جنسی و عاطفی، جهانی شدن، فردگرایی، کم‌رنگ شدن اعتقادات دینی و دوستان نقش مهمی در گرایش به ازدواج سفید در بین جوانان داشته است. عدم پذیرش از سوی جامعه و خانواده، فقدان حمایت قانونی و داشتن رابطه‌ی پنهانی از جمله محدودیت‌های این شیوه از زندگی می‌باشد.

¹ black cohabitation

² common life without law

ابوالفضل (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای به «بررسی ازدواج سفید در ایران» پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که احتمال طلاق و شکست رابطه در زوج‌هایی که قبل از ازدواج رسمی با هم زندگی می‌کرده‌اند بسیار بالاتر است. دلیل آن می‌تواند این باشد که زندگی زیر یک سقف بدون عقد ازدواج، رفتار دو طرف را طوری تغییر می‌دهد که باعث می‌شود در ازدواج کمتر متعهد شوند. همچنین عدم وجود قوانین جهت تعیین تکلیف ازدواج‌های بدون ثبت، می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. در ازدواج سفید زن نمی‌تواند ادعای نفقه، ارث، یا استفاده از خدمات بیمه شریک زندگی اش را داشته باشد. در صورتی که مورد سوء استفاده مالی قرار بگیرد به سختی می‌تواند به دادگاه شکایت کند.

احمدی (۱۳۹۷)، در پژوهشی کیفی با عنوان «خانه‌ای با در باز؛ پژوهشی جامع در باب ازدواج سفید در ایران» به بررسی جامع ازدواج سفید و علل و پیامدهای آن در سه کلان‌شهر تهران، مشهد و اصفهان پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داده‌اند که شرایط محیطی (شرایط اقتصادی، چارچوب رسمی و قانونی، ساختارهای اجتماعی)، عوامل مداخله‌گر (شرایط خانوادگی، کم‌رنگ شدن نظارت، زیست در مهاجرت) و عوامل زمینه‌ای (تجربه رابطه و جهان‌بینی فردی) از عوامل اصلی در گرایش به ازدواج سفید بوده‌اند. پدیده محوری در این پژوهش تغییرات ارزشی و هنجاری در سبک زندگی نسل جوان بود. کنش راهبردی در این پژوهش تعدد و ناپایداری در روابط شناسایی شد و پیامدهای این نوع روابط شامل رنگ باختن کلیشه‌های جنسیتی و آزادی انتخاب، بی‌میلی به ازدواج رسمی، طرد اجتماعی و فقدان حمایت و ترس از پیگرد بود.

سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان «ازدواج سفید؛ انگیزه‌ها و زمینه‌ها» انجام دادند. داده‌های این پژوهش که با روش نظریه زمینه‌ای انجام شده و پس از تحلیل مصاحبه‌ها مقوله‌های «فرو کاسته شدن از کارکرد و اهمیت خانواده» و «شرایط اقتصادی» به‌عنوان شرایط زمینه‌ای؛ مقوله‌های «دگرگونی معیارهای ازدواج»، «ترس از ازدواج»، «سرخوردگی از ازدواج»، «عدم اعتقاد به ازدواج» و «باورهای فمینیستی» به‌عنوان شرایط علی؛ «درگیری در فرایند عاشقانه» به‌عنوان شرایط میانجی؛ مقوله‌های «امکان توسعه تدریجی روابط»، «احساس برابری»، «احساس استقلال»، «افزایش عاملیت» و «تجربه رضایت‌بخش هم‌بالینی» به‌عنوان تعاملات و مقوله‌های محدودیت و موانع رابطه، چالش‌های رابطه و هدایت رابطه به سمت ازدواج به‌عنوان پیامدهای پدیده هم‌بالینی بدون ازدواج تعیین شدند. مفهوم «هم‌بالینی، انتخابی شخصی متأثر از شرایط ناگزیر فرهنگی و اقتصادی» به‌عنوان مقوله هسته انتخاب شد. در نهایت نتایج این مطالعه نشان داد

انگیزه‌های شخصی و موانع عرفی و هنجاری بیشترین دلیل برای سوق پیدا کردن افراد به این سبک همزیستی می‌باشند.

نصرتی‌نژاد و بهرامی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «عوامل تعیین‌کننده همباشی» به مرور سیستماتیک مقالات سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ با کلید واژه همباشی پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن بوده که سه سطح از عوامل بر گرایش به همباشی تأثیرگذار هستند. در سطح کلان، سیاست‌های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی، کالایی شدن و سیالیت زندگی مدرن از عوامل تأثیرگذار هستند. در سطح میانه، وضعیت خانوادگی، فرهنگ و دین و در سطح خرد، آسودگی خاطر طرفین، عقلانیت اقتصادی، سن، جنس و تحصیلات افراد از جمله عوامل تعیین‌کننده زندگی است که به گرایش همباشی منجر می‌گردد.

فرامرزی و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان «برساخت اجتماعی همباشی بر اساس تجربه زیسته نمونه‌ای از هم‌باشان» به انجام رسانیده‌اند. این تحقیق با رویکرد روش شناختی تفسیرگرایانه به روش نظریه زمینه‌ای و با مصاحبه عمیق از ۱۵ نفر از کنشگران همباش انجام گردیده است. نتایج این تحقیق نشان داد که هم باشی از نگاه افراد مشارکت‌کننده «خوانشی نو از مفهوم ازدواج» در عصر حاضر می‌باشد. خوانشی که مبتنی بر مؤلفه‌های: ناکامی در ازدواج، ریسک‌پذیری ازدواج، گسست از خانواده، تعهدات پرتکلف ازدواج، رشد فردگرایی، اصالت نیازهای جنسی و عاطفی، سنت‌گریزی است. همچنین از پیامدهای همباشی می‌توان به رشد سبک‌های نوین زندگی و همباشی، شکستن ساختارهای سنتی، تعارض با قانون ضمن برآورده شدن نیازهای جنسی و عاطفی و امنیت اقتصادی از شرایط به وجود آمدن این خوانش بوده‌اند.

محبوبی (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان «ازدواج سفید در ایران معاصر» در پی فهم ظهور خانواده سفید در ایران است و اینکه چه واکنشی از سوی حکومت و رهبران مذهبی و مردم نسبت به این موضوع وجود دارد. او با اشاره به اهمیت این موضوع از آن جهت که زنان ایرانی در یک بافت مردسالارانه زندگی می‌کنند اذعان می‌دارد که در چنین جامعه‌ای، زنان نخستین و مهم‌ترین قربانیان هستند. نتایج مقاله نشان می‌دهد که چنین روابط جدیدی در قالب نوگرایی رخ داده، اما مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زوج‌های ایرانی همچنان ترجیح می‌دهند که در قالب سنت‌هایی عمل کنند که هر چند از آنها دلخوشی ندارند، اما شاید قالب دیگری از سبک زندگی برای جایگزینی ندارند.

زیممرمن و همستر^۱ (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ثبات رابطه زوج‌های هم‌بالین بر کیفیت زندگی» به بررسی رابطه هم‌بالینی و نقش آن بر کیفیت زندگی می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هم‌زن و هم‌مردان در صورت پایدار بودن رابطه منفعت برده‌اند. اما در روابطی که ناپایدار بوده و به طول نینجامیده، تفاوت‌های جنسیتی مشاهده شده است. مردانی که برای مدت طولانی مجرد بودند، به‌طور معناداری نسبت به همگنان خود افسرده‌تر و رضایت کمتری از زندگی گزارش دادند. زنانی که تجربه رابطه ناپایدار را داشتند از رضایت کمتری برخوردارند. جنسیت متغیر واسط است. گروه‌های موازی انتخاب شدند که عده‌ای روابط هم‌بالینی پایدار و گروهی که مجرد مانده‌اند. در روابط پایدار هر دو هم‌زن و هم‌مرد راضی بودند و اگر رابطه ناپایدار بود هر دو ناراضی بودند، مردان در روابط هم‌بالینی نسبت به مجردها رضایت بیشتری داشتند.

ب) تحقیقات خارجی

هایکل و کیزر^۲ (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان «ریسک حداقلی یا تعهد حداکثری؛ گروه کانونی از هم‌بالین‌ها و زوج‌های رسمی هلندی» به بررسی درک شهروندان بزرگسال هلندی در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های هم‌بالینی و ازدواج رسمی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از پاسخ‌دهندگان شباهت‌ها و تفاوت‌های هم‌بالینی و ازدواج رسمی را در بافتی مشاهده می‌کنند که در آن میزان طلاق زیادی وجود دارد و غالباً هم‌بالینی را به‌عنوان یک استراتژی برای کاهش ریسک طلاق می‌دانند. همچنین ازدواج رسمی نیز به‌عنوان توافقی قانونی دیده می‌شود که نماد تعهد فزاینده است. افرادی که تحصیلات کمتری داشتند در مقایسه با تحصیل کرده‌ها هم‌بالینی را نسبت به ازدواج رسمی دارای مزیت‌های بیشتری می‌بینند و همچنین این افراد قویاً باور به ارزش نمادین ازدواج دارند.

کولا و بویل^۳ (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «رابطه جنسی پیش از ازدواج و طلاق: پشتیبانی از نظریه ازدواج آزمایشی» نشان داده‌اند که هم‌بالین‌ها، احتمال جدایی بیشتری دارند و احتمال جدایی کسانی که تجربه هم‌بالینی پیش از ازدواج داشته‌اند، به‌طور معناداری بالاتر از کسانی بود که به‌طور مستقیم ازدواج کرده بودند.

¹ Zimmermann & Hameister

² Hiekel & Keizer

³ Kula & Boyla

متیسیاک^۱ (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «آیا واقعاً لهستان در برابر گسترش هم‌بالینی ایمن است؟» بر این نکته تأکید کرده است که لهستان در برابر گسترش هم‌بالینی، ایمن نیست و سطح بالایی از این پدیده در میان افراد تحصیل کرده در اروپا وجود دارد. در پژوهش یاد شده این نکته نیز مطرح شده است که در سال‌های اخیر، افراد دارای تحصیلات متوسطه و دانشگاهی، بیشتر متمایل به ورود به این نوع از رابطه هستند. براون و همکاران^۲ (۲۰۰۶)، به پژوهشی با عنوان «پیوند بین هم‌بالینی قبل از ازدواج و کیفیت زناشویی پس از آن، ثبات و طلاق: مقایسه‌ای بین عهد و پیمان در مقابل ازدواج‌های استاندارد» پرداختند. آنها در این پژوهش دریافتند که هم‌بالینی پیش از ازدواج بر روی ثبات زناشویی، سعادت‌مندی، وابستگی و طلاق برای هم زن و هم شوهر و عهد و پیمان ازدواج تغییری ایجاد نمی‌کند. در حقیقت، زمانی که آنها ویژگی‌های دموگرافیک اجتماعی، عوامل رابطه پیش از ازدواج و عوامل تأهل را کنترل کردند، ارتباط بین هم‌بالینی پیش از ازدواج و پیامدهای زناشویی پس از آن به رابطه غیر معنادار تقلیل پیدا کرد، که این نشان می‌دهد که عوامل انتخابی تا حد زیادی در تأثیرات مخرب هم‌بالینی پیش از ازدواج بر موفقیت زناشویی نقش دارد.

با مروری بر پیشینه تحقیق، متوجه می‌شویم که در ایران پرداختن به این موضوعات بنا به فراگیری و مسأله‌محوری در جامعه ایران مورد توجه محققان قرار گرفته است، این در حالی است که تحقیقات درباره چنین موضوعاتی به شکل مستمر از سال ۱۹۸۰ و حتی پیشتر از آن در خارج از کشور آغاز شده و نشان‌دهنده آن است که سبک زندگی ازدواج سفید نه تنها مدت مدیدی است که در کشورهای غربی پدید آمده بلکه مسائل حوزه خانواده با سرعت زیادی در حال اپیدمی جهانی است.

همچنین اگر چه تحقیقات درباره «روابط عاشقانه و دوستانه پیش از ازدواج» نسبت به تحقیقاتی با موضوعات «هم‌بالینی» بسیار بیشتر انجام شده است، اما به‌طور مشخص پژوهشی که آسیب‌شناسی این نوع رابطه را مورد بررسی قرار داده باشد وجود ندارد. تحقیقات در این زمینه، عمدتاً به روش کیفی انجام شده و بیشتر به بسترهای شکل‌گیری، انگیزه‌های زیربنایی و چرایی ورود به رابطه و نیز کیفیت این سبک زندگی در مقایسه با دیگر سبک‌های زندگی پرداخته‌اند. با نگاهی کلی به پژوهش‌های خارجی، متوجه می‌شویم که نتایج تحقیقات همسو و مشترک نیستند و الزاماً همدیگر را تأیید نمی‌کنند. اما آنچه در

¹ Matysiak

² Brown & et. al.

همه تحقیقات به وضوح ملاحظه می‌شود روند سریع رو به افزایش روابط هم‌بالینی در همه کشورهای جهان است. در این تحقیقات به موضوعاتی با اهداف خردتر و جزئی‌تر پرداخته شده که نشان‌دهنده آن است که هدف پژوهشگران خارجی واکاوی درونی این روابط از منظرهای متفاوت، پرداختن به بطن مسائل موجود در ازدواج سفید، مقایسه جهت بررسی کیفیت دو نوع ازدواج سفید و ازدواج رسمی و نشان دادن ضعف‌ها و قوت‌های هر کدام از این سبک‌های زندگی است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نوع کیفی و به‌طور خاص، روش نظریه داده‌بنیاد^۱ است. هدف این روش، کشف نظریه به کمک اطلاعات دقیق و بررسی شده پژوهش‌های اجتماعی است. چنین نظریه‌ای به بستر و زمینه پژوهش وابسته است و «نظریه محدود به واقعیت خاص» محسوب می‌شود. نظریه‌ای که با استفاده از روش نظریه داده بنیاد، کشف یا تولید می‌شود، معمولاً در قالب روایی، نمودار یا مجموعه‌ای از فرضیه‌ها ارائه می‌شود. در این پژوهش از شیوه سیستماتیک اشتراوس و کوربین استفاده شد که طرحی است نظام‌مند. طرح پژوهش سیستماتیک بر استفاده از مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، محوری و گزینشی تأکید دارد و همچنین به عرضه پارادایم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین می‌پردازد (Bazargan, 2012:97). از آنجایی که جمعیت مورد مطالعه پنهان می‌باشد و شناسایی آنان به راحتی امکان‌پذیر نیست، جهت یافتن افراد از طریق نمونه‌گیری هدفمند چند مورد یافت شدند و بعد از آن به روش گلوله برفی و از طریق نمونه‌های یافته شده سایر نمونه‌ها انتخاب شدند. نمونه‌گیری گلوله برفی یک تکنیک نمونه‌گیری هدفمند است که مستلزم استفاده مشارکت‌کنندگان اولیه برای شناسایی موارد اضافی است که ممکن است به تدریج در مطالعه به کار روند. این راهبرد مناسبی برای یافتن مطلعین کلیدی است. با فرض یافتن چند مطلع یا مورد اولیه، محقق می‌تواند نمونه‌های دیگر را پیدا کند (Mohammadpour, 2013:44). از آنجا که این نوع از هم‌بالینی در ایران به شکل رسمی و عرفی مورد پذیرش واقع نشده، شرکت‌کنندگان در پژوهش نگران از دادن اطلاعات بودند. بعد از یافتن چند نمونه اول از طریق دوستان و آشنایان، همان نمونه‌ها پس از مصاحبه و فرآیند جلب اعتماد و برطرف کردن دغدغه و اطمینان بخشی، رابط و

^۱ GTM

واسطی برای آشنایی و مصاحبه با نفرات بعدی شدند. جلب اعتماد مصاحبه‌شوندگان سخت‌ترین قسمت کار مصاحبه بود. گاهی نیاز بود جهت جلب اعتماد افراد همبالمین، پروپوزال تحقیق برای افراد و مدارک دانشگاهی ارسال شود تا اعتماد لازم جهت انجام مصاحبه حاصل گردد. گاهی نیز در چندین بار تماس و گفتگو با مصاحبه‌شوندگان، دلایل انجام تحقیق و سؤالات افراد به شکلی واضح توضیح داده می‌شد تا اعتماد جهت انجام مصاحبه ایجاد می‌گردید. در نهایت نمونه ما ۱۷ نفر از افرادی بودند که وارد زندگی هم‌بالمینی شده و در دو کلان‌شهر بزرگ تهران و اصفهان زندگی می‌کردند. در نهایت با استفاده از معیار اشباع نظری درباره تعداد افراد نمونه، تصمیم‌گیری شد. نمونه‌گیری نظری تا زمان اشباع نظری ادامه یافت. یعنی تا جایی که دیگر اطلاعات جدیدی یافت نشود، فرآیند گردآوری اطلاعات متوقف می‌شود (Strauss and Corbin, 2006:187). نحوه انجام مصاحبه به شکل حضوری و تلفنی با افراد از پیش هماهنگ شده و در زمان هماهنگ شده مصاحبه‌ها به شکل حضوری و تلفنی اخذ می‌گردید. نحوه گردآوری مصاحبه‌ها به شکل همزمان یادداشت برداری و ضبط مصاحبه‌ها جهت از دست ندادن کل متن مصاحبه بود. ابزار گردآوری داده‌ها سؤالاتی بودند که خطوط اصلی مصاحبه بر آن محور پیش می‌رفت. از جمله سؤالات مهم این تحقیق موارد ذیل بودند: داستان رابطه شما از کجا شروع شد؟ انگیزه ورود شما به این رابطه چه بود؟ فایده و ضرر این سبک از چه بوده؟ با انتخاب این سبک از زندگی تاکنون با چه مشکلاتی مواجه بوده‌اید؟ چه اهدافی از ورود به این رابطه دنبال می‌کنید؟ آسیب‌های این رابطه چه می‌تواند باشد؟ چه چیزهایی باعث ایجاد فاصله و یا عمیق‌تر شدن رابطه بین شما شده؟ فکر می‌کنید سرانجام رابطه شما چگونه باشد؟ چه آینده و افقی برای رابطه‌تان متصور هستید؟

در این پژوهش از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته و تعاملی استفاده شده است. متوسط طول مصاحبه‌ها ۹۰ دقیقه بوده است. در این روش مصاحبه‌گر با مطرح کردن موضوع مورد مطالعه شرکت‌کنندگان را به صحبت در رابطه با موضوع مطرح شده ترغیب می‌نماید و بر اساس آنچه مصاحبه‌شونده در جریان مصاحبه مطرح می‌کند سؤالات بعدی خود را شکل می‌دهد (Hariri, 2010:153). این نوع مصاحبه جنبه تعاملی دارد و حاصل کار محقق و مشارکت‌کننده است. محقق و مشارکت‌کننده در تجربیات متقابل سهیم می‌شوند و انجام آن به نحوی است که مشارکت‌کننده به‌طور طبیعی صحبت کند، فکر کند و واقعیت را سازماندهی نماید (Newman, 2015:372).

شیوه تحلیل داده‌ها

کدگذاری باز فرآیندی تحلیلی است که با آن مفهومی‌ها شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند (Strauss and Corbin, 2011:123)؛ در کدگذاری باز قصد بر آن است تا داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم درآیند (Flick, 2008:330). فرآیند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی، کدگذاری محوری نامیده می‌شود، زیرا کدگذاری در محور یک مقوله صورت می‌گیرد و مقوله‌ها را در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به یکدیگر مرتبط می‌کند (Strauss and Corbin, 2011:145). کدگذاری گزینشی یعنی یکپارچه کردن و پالایش نظریه (Ibid:165)؛ کدگذاری گزینشی، کدگذاری محوری را در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود (Flick, 2008:337). در این پژوهش با جستجو در میان اطلاعات به صورت خط به خط یا پاراگراف به پاراگراف، اطلاعات، به صورت خط به خط کدگذاری و سپس کدهای باز در مرحله کدگذاری محوری بر اساس مباحث اصلی، در دسته موضوعات بزرگ‌تر گروه‌بندی شده‌اند. در کدگذاری محوری این مباحث به یکدیگر وصل، روابط بین آنها ارزیابی شده است. پس از کدگذاری داده‌ها و مرتبط کردن موضوعات کشف شده با هم، «نظریه محدود به واقعیت خاص» ارائه شده است. چنین نظریه‌ای با عامل مد نظر پژوهش تناسب دارد و مدعی هیچ نوع تعمیمی فراتر از آن، نیست. به منظور تحلیل داده‌ها، ابتدا کلیه مفاهیم اولیه به شکل کدهای باز شناسایی شدند و شیوه تحلیل داده‌ها به شکل دستی انجام شد. سپس کدگذاری محوری و گزینشی انجام و نهایتاً مفهوم اصلی از خط سیر داستان مشخص گردید.

ارزیابی کیفیت و اعتبار یافته‌ها

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد (معادل اعتبار و روایی در تحقیقات کمی) از دو تکنیک متعارف و مرسوم (Silverman, 2005, Kvale and Brinkmann, 2009)؛ *Quoted From Fathi & et.al, 2013* استفاده شد: ابتدا با روش کنترل یا اعتباریابی توسط اعضاء از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و درباره صحت آن نظر دهند و در روش دوم با نام مقایسه‌های تحلیلی به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود.

مشخصات شرکت‌کنندگان در پژوهش

جدول ۱: مشخصات شرکت‌کنندگان در پژوهش

Table 1: Characteristics of the Participants in the Research

مدت ورود به رابطه	شغل	تحصیلات	سن	مشارکت کننده
<i>The Duration of the Relationship</i>	<i>Job</i>	<i>Education</i>	<i>Age</i>	<i>Participant</i>
۲ سال	کارمند	کارشناسی	۳۲	الیه
۱ سال	کارمند	دکتر	۴۱	بیبا
۲ ماه	طراح	کارشناسی	۲۷	زری
۲.۵ سال	کار آزاد	کارشناسی	۳۳	آرمان
۹ ماه	کارمند	کارشناسی	۳۷	کیمیا
۶ ماه	بیکار	دیپلم	۲۴	نگین
۴ ماه	دانشجو	کارشناسی	۲۵	فهیمة
۹ ماه	کارمند	کارشناسی ارشد	۲۹	فاطمیما
۳ ماه	کارمند	کارشناسی ارشد	۲۷	مینا
۳ ماه	تاجر	کارشناسی	۲۴	مهدی
۳ سال	کار آزاد	کارشناسی ارشد	۴۲	یوسف
۱ سال	بیکار	کارشناسی	۲۷	الناز
۶ ماه	بیکار	فوق دیپلم	۳۱	المیرا
۲ سال	کار آزاد	کارشناسی	۳۵	مریم
۳ سال	پرستار	کارشناسی	۳۷	شکیبیا
۱ سال	کار آزاد	دیپلم	۳۰	نگار
۲ سال	مترجم	کارشناسی ارشد	۳۶	هاله

ملاحظات اخلاقی

با توجه به حساسیت‌های اجتماعی مسأله هم‌بالینی، در انجام این پژوهش ملاحظات اخلاقی در نظر گرفته شد به شکلی که در بدو امر به تمام نظرات مشارکت‌کننده‌ها در گفت و گوهای انجام شده با گشودگی و احترام رفتار شده و از محرمانه بودن اطلاعات ارایه شده به مشارکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده می‌شد؛ همچنین ضمن محافظت مشارکت‌کننده‌ها از هر گونه آسیب ممکن در فرایند تحقیق، حریم شخصی و گمنام ماندن مشارکت‌کننده‌ها رعایت می‌شد.

نتایج پژوهش

در مرحله کدگذاری باز، کل تعداد کدهای باز ۱۵۵ عدد بود که از آن میان کد ۵۱ زیر مقوله به دست آمد که نمونه‌های مهم آن‌ها در قالب مفاهیم در جدول زیر آمده است. در مرحله‌ی کدگذاری محوری، ۱۱ مقوله عمده به دست آمد که شرح این مقولات و نحوه ارتباط پیدا کردن آن‌ها با همدیگر و با مقوله انتخابی (واپس‌زدگی اجتماعی) مورد بحث قرار خواهد گرفت. در بخش یافته‌ها، ابتدا مقولات محوری را مورد بررسی قرار داده و بعد از آن، مدل پارادایمی را ارائه داده‌ایم.

جدول ۲: مقولات محوری پژوهش

Table 2: The Main Categories of the Research

نوع مقوله	مقوله اصلی	مقوله عمده	زیر مقوله‌ها
Category Type	Main Article	Major Category	Subcategories
شرایط علی		میل به فردگرایی	شکل‌گیری هویت مستقل از خانواده، قائل بودن به حق انتخاب و آزادی فردی، استقلال‌خواهی شخصی، فکری و مالی، خوداتکایی، اهمیت حریم شخصی
		تجربه ناموفق عاطفی	طلاق در ازدواج پیشین، تجربه ناخوشایند روابط پیشین، عدم حضور الگوی مرجع موفق ازدواج و روابط عاشقانه
		تردیدها و ترس‌ها	بی‌میلی به ازدواج رسمی، ترس از دست دادن کلیت استقلال در صورت ازدواج رسمی، تردید و عدم قطعیت در انتخاب پارتنر برای ازدواج رسمی، ترس از شکست در ازدواج مجدد، ترس از وجود مسئولیت‌ها در ازدواج رسمی
شرایط مداخله‌گر	واپس‌گرایی اجتماعی	آشنایی با سبک زندگی سایر اقوام و ملیت‌ها، ارتباطات با بستگان و آشنایان خارج از کشور، تجربه زندگی در دانشگاه و خوابگاه، قرار داشتن در معرض تجارب زیسته دیگران	
شرایط زمینه‌ای		آسیب‌های درون خانواده مبدأ	تجربه ناخوشایند زندگی مشترک والدین، طلاق والدین، دشواری زندگی با والدین، کاهش یا رهایی از نظارت و کنترل خانواده، مهاجرت با فاصله از خانواده مبدأ، آسیب‌های درونی خانواده
		شرایط اقتصادی ناامن	احساس ناامنی اقتصادی، درآمد کم، شغل ناپایدار، نیاز به آسودگی و رفاه اقتصادی، شرایط اقتصادی نامطلوب برای ازدواج دائم
استراتژی‌ها		پنهان کاری	پنهان کردن رابطه از خانواده، پنهان کردن از دوستان و آشنایان، پنهان کردن رابطه در جامعه، رفت و آمد به دور از چشم همسایگان

نوع مقوله	مقوله اصلی	مقوله عمده	زیر مقوله‌ها
Category Type	Main Article	Major Category	Subcategories
پیامدها		نفی آسیب‌دیدگی	توجیه و استدلال رابطه انتخابی، رویه انتقادی از ازدواج دائم، تمرکز بر فواید رابطه
		احساس عدم امنیت	عدم امنیت اجتماعی، عدم امنیت در پایداری رابطه، احساس عدم امنیت در مقابل خشونت‌های خانگی، عدم حمایت قانونی و اجتماعی
		انزوای فردی	بدبینی و کاهش اعتماد به جنس مخالف در صورت گسست رابطه، عدم اهمیت به قضاوت دیگران طرد اجتماعی، فاصله گرفتن از جامعه
		گسست عمیق با خانواده	کم‌رنگ شدن رابطه با خانواده، قطع ارتباط با آشنایان، رابطه محدود

میل به فردگرایی

از شرایط علی است که مشارکت‌کنندگان تحقیق به آن اشاره داشته‌اند، میل به فردگرایی می‌باشد. این مقوله به این معناست که افراد هم‌بالین، در جستجوی هویت مستقل از خانواده هستند. افراد در این رابطه می‌خواهند با انتخاب گزینه مناسب برای زندگی مشترک‌شان، نشان دهند که خودشان تنها عنصر تصمیم‌گیر برای سرنوشت و زندگی آتی‌شان هستند. از این‌رو برای نگاه داشتن فردیت و استقلال‌شان و نیز عدم حضور و دخالت دیگران در مسائل خصوصی‌شان، از حریم شخصی‌شان محافظت می‌کنند.

مشارکت‌کننده ۱۱: "از جهت اینکه هر دو دوست داریم یک زندگی مستقل داشته باشیم و آزادی عمل داشته باشیم مشابهیم {استقلال‌خواهی شخصیتی و قائل بودن به آزادی فردی}."

مشارکت‌کننده ۱۴: "بعد از طلاق، تازه استقلال رو به دست آورده بودم {کسب استقلال پس از طلاق}... از یک محیطی که همه کنترل می‌کردند، آزادی به دست آورده بودم... الان هم ترسم از ازدواج همین هست که استقلال رو از دست بدم {نگرانی از دست دادن استقلال فردی}."

مشارکت‌کننده ۱۶: "خانواده من باید به انتخاب‌های من، شخصیت من، عقاید من احترام بگذارند {استقلال‌خواهی شخصیتی}."

تجربه ناموفق عاطفی

طلاق در ازدواج پیشین، تجارب ناخوشایند روابط عاطفی پیشین، عدم حضور الگوی مرجع موفق ازدواج و روابط عاشقانه، در ذهن افراد تجربه‌ای حاکی از عدم موفقیت ازدواج دائم و بدبینی نسبت به آن ایجاد کرده است.

مشارکت‌کننده ۵: "تجربه طلاق خیلی دور و برم زیاد دیدم، فامیل، دوستان، همسایه، و این منو به این نتیجه رسونده که ازدواج یک کار اشتباهی هست {مشاهده افزایش طلاق در جامعه}. من اعتمادم به کسی که وارد زندگیم شده بود سلب شده بود {تخریب ذهنی نسبت به ازدواج به دلیل عدم کامیابی در زندگی پیشین}."

مشارکت‌کننده ۹: "پارتنرم دو سه تا از دوستان بسیار صمیمی که داره، و با هم بزرگ شدند، ازدواج‌های ناموفقی داشتند {مشاهده الگوی ناموفق ازدواج در اطرافیان}. طلاق‌هایی که فوق‌العاده مشکل برای دوستاش ایجاد کردند، ممنوع‌الخروجی و مشکلات مالی و گرفتن مهریه و حضانت بچه {مشاهده مشکلات طلاق اطرافیان} و ... و اینها در اینکه تصمیم جدی برای ازدواج نگرفتم، بی‌تأثیر نیست {بدبینی نسبت به ازدواج}. من نگران این هستم که اون جووری که می‌خوام در خانواده پارتنرم مورد پذیرش قرار نگیرم، و فکر می‌کنم که بی‌تأثیر هم نیست. چون خیلی زندگی‌ها رو دیدم که به خاطر تفاوت سطح خانوادگی، به هم ریخته‌اند {ترس از ازدواج به دلیل ناکامی در آن}."

"مشارکت‌کننده ۷: "بالغ بر ۱۴ سال ازدواج کرده بودم. با سیستم اون زمان و در تعریف خودم یک سیستم عاشقانه بود. من اون آدم رو به‌عنوان عشق اول دوست داشتم. یک رابطه پر از چالش که حداقل ۵ سال اولیه‌اش خیلی خوب بود. و از سال ششم به بعد در یک سرایشی مشکلاتی افتاد و بعد به مرور در دوره دوستی و خوشی رابطه‌ای برمی‌گشتیم و مجدداً به هم می‌زدیم تا سال ۹۰. من از سال ۹۰ به بعد تنها زندگی می‌کردم {وجود مشکلات و عدم کامیابی در زندگی پیشین}."

تردیده‌ها و ترس‌ها

«ترس، تردید و بدبینی نسبت به ازدواج» امری است که در این زوجین عمیقاً نهادینه شده است. بیشتر افراد شرکت‌کننده در این پژوهش از ترس‌ها و تردیدهایی حرف می‌زنند که باعث روی آوردن به این سبک از زندگی می‌باشد. بی‌میلی به ازدواج رسمی، ترس از دست دادن کلیت استقلال در صورت ازدواج رسمی، تردید و عدم قطعیت در انتخاب پارتنر

برای ازدواج رسمی، ترس از شکست در ازدواج مجدد، ترس از وجود مسئولیت‌ها در ازدواج رسمی از عوامل انتخاب همبالی‌نی در برابر ازدواج دائم است.

مشارکت‌کننده ۹: "الان هم ترسم از ازدواج همین هست که استقلال رو از دست بدم. و الان ترجیح می‌دم که اگه خواستم با کسی دوست شم دوستیم به همین به کافه رفتن و رستوران رفتن و دو تا سینما رفتن ختم شه {ترس از دست دادن کلیت استقلال در صورت رسمی کردن رابطه}."

مشارکت‌کننده ۸: "احساس می‌کنم با ازدواج رابطه‌مون این جوریه که هست نمی‌مونه. الان دوست دارم باهش باشم ولی در صورت رسمی کردن، به دلیل همون شخصیت و خصوصیتی که از خودم سراغ دارم فکر می‌کنم که زده می‌شم ازش."

آشنایی با سبک نوین رابطه

آشنایی با سبک‌های نوین رابطه از طریق افزایش ارتباطات به وجود می‌آیند. استفاده از موبایل و شبکه‌های اجتماعی مجازی و تلویزیونی خارجی شبکه‌های ارتباطی نوینی هستند که به گسترش روابط انسانی و نگرش‌های جدید افراد می‌انجامد. آشنایی با سبک زندگی سایر اقوام و ملیت‌ها، ارتباطات با بستگان و آشنایان خارج از کشور، تجربه زندگی در دانشگاه و خوابگاه، قرار داشتن در معرض تجارب زیسته دیگران، از مواردی است که به دامنه ارتباطات اجتماعی می‌افزاید و از همین درگاه، زاویه‌ها و چشم‌اندازهای جدید سبک و شیوه زندگی برای افراد باز می‌شود. در واقع، با سست شدن ارزش‌های پیشین و درونی‌سازی ارزش‌های نوین در سوژه، او آماده انجام دادن رفتارهای جدید می‌شود. سوژه‌هایی که نحوه اجتماعی شدنشان متفاوت است، تمایل بیشتری به این‌گونه روابط پیدا کرده‌اند. موقعیت‌های ساختاری این‌چنینی نقش «تسهیل‌کنندگی» و نه تعیین‌کنندگی را در این میان ایفا می‌کنند.

مشارکت‌کننده ۱۷: "من در خواست دادم. در اون مدت قبلش ... گاهی ایمیل می‌زدیم. گاهی زنگ می‌زد و توی امور درس و مشق ازم کمک می‌گرفت. پیامک‌های مناسبی هم بود. بعدش کم کم دامنه پیامک‌ها بیشتر شد. یعنی با رواج فضای مجازی رابطه‌مون بیشتر شد و عمق گرفت {استفاده از شبکه‌های ارتباطی مجازی}."

مشارکت‌کننده ۱۲: "من از بچگی که فامیلامون خارج از ایران بودن باهاشون صحبت می‌کردم {ارتباط با بستگان خارج از کشور} خیلی راحت می‌گفتن که این لایف استایل اونجا خیلی جا افتاده و در واقع اولویت هر زندگی به انتخاب خود فرد ربط داره نه به

هنجارهای جامعه {آشنایی با سبک زندگی سایر ملیت‌ها}... بعد که اومدم دانشگاه این قضیه که همیشه پس ذهنم بود که کدوم طرز فکر درست‌تره و در نهایت تصمیم گرفتم که این سبک زندگی رو انتخاب کنم."

مشارکت‌کننده ۶: "من تو فیس‌بوک باهاش حرف می‌زدم {استفاده از شبکه‌های مجازی برای برقراری رابطه}."

مشارکت‌کننده ۱۳: "اولین رابطه خیلی ساده شروع شد، با همدیگه اس ام اس بازی می‌کردیم {شروع رابطه از طریق موبایل}."

مشارکت‌کننده ۱۴: "من از ۵، ۶ سالگی کلاس زبان رفتم و با فرهنگ غربی آشنا شدم. من قبل از اینکه برم کلاس اول ابتدایی، انگلیسی صحبت می‌کردم. از بچه‌گی آهنگ‌های انگلیسی، فیلم‌های انگلیسی می‌دیدم {آشنایی با سبک زندگی غربی}."

مشارکت‌کننده ۳: "به خاطر مامانم ... مامانم قبل از اینکه با شوهرش ازدواج کنه، ۴ سال با هم اینطوری زندگی کرده بودند، بدون اینکه ازدواج کنند. دید و نگاه من تغییر کرده بود و می‌دونستم که همچین سبک زندگی وجود داره. عمه‌ام رو هم دیده بودم موقعی که دانشجو بود و تهران زندگی می‌کرد با یه پسری زندگی می‌کرد {در معرض تجارب زیسته هم‌بالینی}."

میزان آسیب و مشکلات درون خانواده مبدأ

در این پژوهش ملاحظه شد که در بین افراد هم‌بالین شکاف و فاصله اجتماعی به‌ویژه بین والدین و فرزندان خانواده، ارتباط بین اعضا را مختل کرده است. همچنین تجربه ناخوشایند زندگی مشترک والدین، طلاق والدین، دشواری زندگی با والدین، کاهش یا رهایی از نظارت و کنترل خانواده، مهاجرت با فاصله از خانواده مبدأ، افزایش آسیب‌های خانواده، مواردی است که شرکت‌کنندگان از آن به‌عنوان زمینه تمایز و تفاوت با نگرش خانواده و بالطبع فاصله روانی و اجتماعی از خانواده‌شان دانسته‌اند و همین امر پیش‌مقدمه ورود آنها به رابطه هم‌بالینی بوده است. در این میان وجود فاصله روانی فرزندان از پدر خانواده نسبت به مادر خانواده بیشتر بوده است.

مشارکت‌کننده ۱۵: "بچه که بودم فضول و بیش‌فعال بودم و تو کار بزرگ‌ترها دخالت می‌کردم. از مامان و خواهرام به شدت کتک می‌خوردم {دشواری زندگی با والدین و اعضای خانواده} ... من رابطه خوبی با پدرم نداشتم، دختری با یتیمی پدر بودم {عدم وجود ارتباط مناسب با پدر}."

مشارکت‌کننده ۱۲: "رابطه پدر و مادرم از ابتدایی که یادم میاد همیشه مشکل داشته و این روی خاطرات کودکی من خیلی تأثیر گذاشته {تجربه ناخوشایند زندگی مشترک والدین} ... طوری که من همیشه رابطه پدر و مادرم می‌دیدم هیچ وقت دلم نمی‌خواست ازدواج کنم {نبود الگوی مرجع موفق ازدواج}."

مشارکت‌کننده ۴: "اصولاً پدرم در خانواده ما جداترین عضو خانواده است، از اون دسته آدم‌ها که علی‌رغم تمام مهربونی و اخلاق‌های درست همیشه تنهایی خودش رو ترجیح می‌داده و می‌ده و همین قضیه باعث شد که پدرم دفتر کار و سوئیت خودش رو اونور حیاط خانه داشته باشه و ما هیچ کدوم تقریباً زیاد جرأت نزدیک شدن به اون طرف حیاطو نداشتیم و نمی‌خواستیم خلوت ایشونو به هم بزنینم. اختلافات توو خانواده ما بیشتر از طریق دعوا رفع می‌شد و حالا تقریباً ده ساله که ما دور هم نیستیم {مهاجرت با فاصله از خانواده مبدأ}."

مشارکت‌کننده ۲: "اگه پدر و مادرم اون موقع که با دانیال دوست بودم، منو منع نمی‌کردند و می‌گذاشتن که باهاش دوستیم رو ادامه بدم، خیلی قشنگ‌تر بود. هرگز کار به اینجاها کشیده نمی‌شد ... با من مخالفت شدید کردند. گفتند که این آدم نه! منم گفتم چرا نه؟! این آدم آره. مگه شما داشتید ازدواج می‌کردید {ازدواج دوم پدر و مادر} از من پرسیدید؟ {طلاق والدین و ازدواج مجدد والدین}."

شرایط اقتصادی نامن

شرایط اقتصادی یکی دیگر از زمینه‌هایی است که افراد را به سمت رابطه هم‌بالینی می‌کشاند. مشارکت‌کنندگان تحقیق اشاره دارند به اینکه وضعیت نامناسب اقتصادی، درآمد اندک، مشاغل پاره‌وقت و عدم ثبات، احساس ناامنی از شرایط اقتصادی می‌آفریند و درجه تأمین اقتصادی و نیاز به رفاه و آسودگی مالی یکی از عمده مواردی است که افراد را به سمت روابط زوجینی غیر رسمی می‌کشاند. آنها معتقدند که جامعه از مردان انتظار دارد که خودکفایی اقتصادی داشته باشند تا بتوانند زندگی مشترک خود را اداره کنند. ولی این جامعه شرایط بهینه‌ای برای رسیدن به درجه‌ای از تأمین اقتصادی را فراهم نیاورده است. در این میان، پیدایش الگوهای نامن اقتصادی، با ایجاد آینده‌ای مبهم، قدرت ریسک سوژه را پایین آورده و سن ازدواج را در او بالا می‌برد و در پی آن، الگوهای دیگری را برای ارضای نیازها پیش روی او می‌گذارد. ظهور نیروی کار نامطمئن نه تنها هزینه‌های شغلی که هزینه‌های روانی و اجتماعی متعددی را برای سوژه به همراه دارد. در این میان، پیدایش

احساس ناامنی به آینده شغلی زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهای جدید، اما کم‌هزینه‌تر نزد سوژه می‌شود.

مشارکت‌کننده ۱: "پارتنرم شغل ثابتی نداشت، به مدت توی فست‌فودی، به مدت توی کبابی، به مدت شیرینی‌فروشی، به مدت تو آلبوم‌فروشی کار می‌کرد ... کاراش ثابت نبود {عدم وجود احساس اطمینان شغلی}."

مشارکت‌کننده ۱۶: "مگه من دل ندارم که ازدواج کنم. خیلی چیزها مثل خانواده، بی‌پولی و وضعیت اقتصادی ... مانع شده‌اند {عدم تأمین اقتصادی}. فعلاً با همین شرایط دست و پنجه نرم می‌کنم."

مشارکت‌کننده ۷: "وجه نگران‌کننده واسه من انتظارات اونه. ماها خب قشر متوسطیم. درآمدمون زیاد نیست {درآمد اندک}. نمی‌تونیم به شکل نامحدود مصرف و تفریح کنیم. باید مدیریت کنیم. اینکه به وقتی انتظاری داشته باشه که خارج از توان من باشه ... این منو نگران می‌کنه {احساس ناامنی اقتصادی}."

پنهان‌کاری

پنهان کردن رابطه از خانواده، پنهان کردن از دوستان و آشنایان، پنهان کردن رابطه در جامعه، رفت و آمد به دور از چشم همسایگان، از استراتژی‌های به کار گرفته در این نوع رابطه می‌باشد. این افراد به دلیل عدم مقبولیت اجتماعی و ترس از انگ خوردن، این رابطه را از دیگران پنهان می‌کنند و سعی می‌کنند به دور از چشم اطرافیان به خانه مشترک خود رفت و آمد کنند، این قضیه به مرور زمان باعث سرخوردگی و خستگی از این رابطه می‌شود.

مشارکت‌کننده ۲: "سعی می‌کنیم با کسی رفت و آمد نداشته باشیم تا کسی از رابطه ما باخبر نشه {پنهان کردن از دوستان و آشنایان}."

مشارکت‌کننده ۴: "من وقتی دیدم که کیس مناسب خودم رو پیدا کردم، بهش ابراز علاقه کردم، شرایطش این‌طوری بود که به من گفتم، نمی‌تونم عقد کنم، و نمی‌تونم صیغه کنم ولی می‌تونم در کنار شما باشم، من هم دیدم که خانواده‌ام که پیشم نیستند و مشکلی هم برام پیش نمیاد قبول کردم، الان هم خونوادم از این رابطه اطلاع ندارند {پنهان کردن رابطه از خانواده}."

مشارکت‌کننده ۸: "خانوادم اصلاً در جریان نیستند. نگرانم در صورت اطلاع پیدا کردن اون‌ها، انگلی به من زده بشه و مجبورم که رابطه رو پنهان نگه دارم {عدم اطلاع خانواده}."

نفی آسیب‌دیدگی

سوژه‌هایی که این نوع ازدواج را برگزیده‌اند، رویه انتقادی و استدلالی را در پیش می‌گیرند و هر آنچه را که توجیه عقلانی برای آن پیدا نکنند، نمی‌پذیرند. مهمترین استدلال آنها فواید بیشتر رابطه‌ای است که در قیاس با هزینه ازدواج رسمی برآورد می‌کنند. آنها رابطه انتخابی را توجیه می‌کنند و از ازدواج دائم انتقاد می‌کنند. هنگام گفت و گو از مشکلات و پیامدها، گفتگو را به سمت فواید این سبک رابطه جهت می‌دهند.

مشارکت‌کننده ۹: "نظر من اینه که ازدواج دائم اصلاً خوب نیست و تو خودت را در محدودیت قرار میدی {رویه انتقادی از ازدواج دائم}."

مشارکت‌کننده ۱۶: "از نظر خودم انتخابم درسته و حرف کسی رو قبول ندارم که این رابطه‌ها سرانجام نداره {توجیه و استدلال رابطه انتخابی}."

مشارکت‌کننده ۱: "توی ازدواج دائم تو محدود میشی و مجبوری تا آخر عمر با یه نفر زندگی کنی {انتقاد از ازدواج دائم}."

احساس عدم امنیت

یکی دیگر از مشکلاتی که افراد در همبالی‌نی با آن روبرو می‌شوند احساس عدم امنیت است. جامعه ایرانی و هنجارهای مقبول در یک جامعه اسلامی چنین همبالی‌نی را تأیید نمی‌کند و همین امر باعث می‌شود کسانی که در این شرایط هستند رابطه خود را پنهان نگه دارند تا از سوی جامعه و خانواده طرد نشوند. عدم امنیت اجتماعی، عدم امنیت در پایداری رابطه، احساس عدم امنیت در مقابل خشونت‌های خانگی، عدم حمایت قانونی و اجتماعی مفاهیمی است که زیر مجموعه مقوله محوری احساس عدم امنیت می‌باشد.

مشارکت‌کننده ۵: "اگر یک روزی وابستگی بیش از حدی بین ما ایجاد شد، کسی نیست که بین ما پارمیونی کنه ... (فقدان حمایت اجتماعی)."

مشارکت‌کننده ۱۲: "به ندرت پیش میاد با کسی با شناخت اولیه احساس راحتی بکنیم که بگیم چه نوع رابطه‌ای داریم. امنیت که توو شرایط جامعه ایران تقریباً برای این نوع رابطه وجود نداره ... اما هراس‌هاش خیلی زیاده و نمونه‌اش نتونستن اجاره کردن

خونه‌ست که در درجه اول که می‌فهمن یک زوج هستیم شناسنامه می‌خوان و این یعنی این رابطه اصلاً پذیرفته شده نیست ... یا در مورد سفر رفتن و اقامت داشتن‌های شبانه که باعث شده ما هر وقت سفر می‌ریم به این مشکل بزرگ برخوردیم (عدم امنیت و پذیرش اجتماعی)".

مشارکت‌کننده ۲: ما اگه به مشکل بر بخوریم کجا می‌تونیم بریم شکایت کنیم، اگه پارترمون هزار تا بلا سرمون بیاره به هیچ مرجع قانونی نمی‌تونیم شکایت کنیم چون پای خودمون گیره (عدم حمایت قانونی).
مشارکت‌کننده ۷: "حواسمون به این هست که گیر نیفتیم (عدم امنیت اجتماعی).

انزوای فردی

یکی از مقوله‌های محوری به دست آمده از مصاحبه‌ها، انزوای فردی است. وقتی فردی با پنهان‌کاری ورود به رابطه هم‌بالینی می‌کند به اجبار باید رابطه خود را از دیگران مخفی نگه دارد که این کار باعث انزوای فردی و دور شدن از اجتماع می‌شود. بدبینی و کاهش اعتماد به جنس مخالف در صورت گسست رابطه، عدم اهمیت به قضاوت دیگران، طرد اجتماعی، فاصله گرفتن از جامعه از جمله مفاهیمی است که باعث انزوای فرد در هم‌بالینی می‌شود.

مشارکت‌کننده ۲: "مسئولیت همه چیز در این انتخاب با خودته، نمی‌تونی از کسی کمک بخوای، خودت باید مشکل خودتو حل کنی و نگذاری کسی بفهمه" {فاصله گرفتن از جامعه}."

مشارکت‌کننده ۱۶: "تلاش ما همیشه این بوده که این رابطه جدا باشه از خانواده، چون نه خانواده من و نه خانواده ایشون موافق این رابطه نبوده، جامعه هم که اصلاً این رابطه رو رد می‌کنه {طرد اجتماعی}.

مشارکت‌کننده ۱۵: "بدبینی نسبت به مردها در من ایجاد شده، مردها رو در حال بهره‌کشی و اینکه آزارت بدن و آسیب بهت بزنن و یا تو رو غیر خودی می‌دونن و همین کارها رو می‌خوان انجام بدن {بدبینی به جنس مخالف به دلیل آسیب در روابط پیشین}."
مشارکت‌کننده ۱۰: "سبک زندگی‌م رو به بقیه هم می‌گم و اصلاً قضاوتشون برام مهم نیست {عدم اهمیت قضاوت اجتماعی}."

گسست عمیق با خانواده

بسیاری از افراد همبالمین به دلیل مخالفت و طرد خانواده، رابطه خود را با خانواده قطع کرده و هیچ ارتباطی با آنها ندارند. در واقع کم‌رنگ شدن رابطه با خانواده، قطع ارتباط با آشنایان و رابطه محدود از جمله پیامدهای چنین روابطی است.

مشارکت‌کننده ۳: "همیشه تلاش می‌کردم که این رابطه یک رابطه سکرته و در خفایی باشه، به همین خاطر رابطه‌هامون را با خانوادمون قطع کردیم {قطع ارتباط با خانواده}."

مشارکت‌کننده ۹: "من قبلاً هم با کسی زیاد در ارتباط نبودم، حتی خیلی از اقوام را سال‌ها نمی‌بینم {رابطه محدود}."

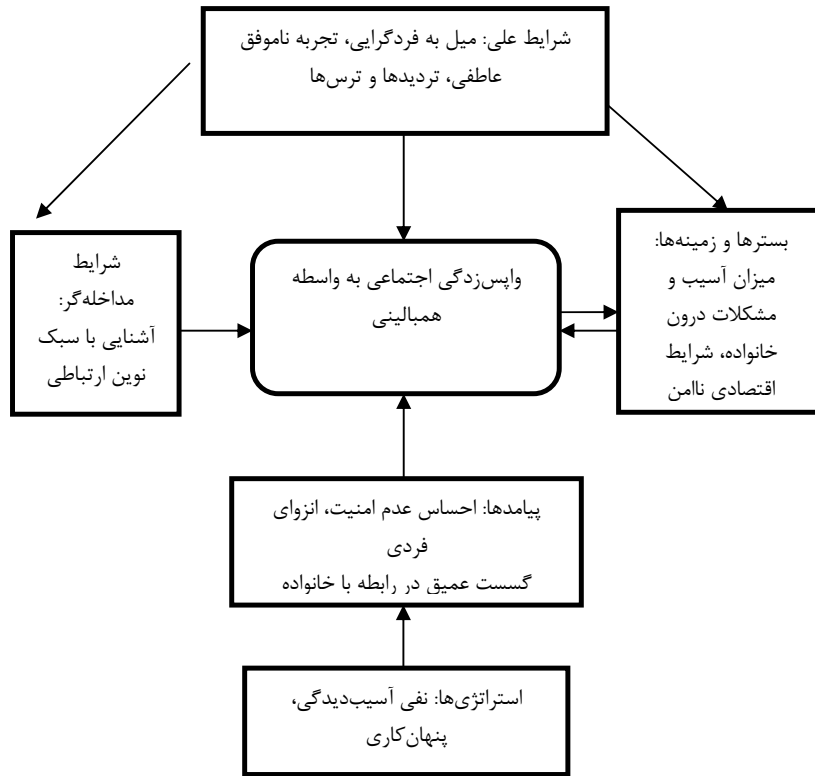
مشارکت‌کننده ۱۱: "بعد از اینکه این رابطه را شروع کردم دیگه خانوادم رو نمی‌بینم، شاید سالی یک‌بار {کم‌رنگ شدن رابطه با خانواده}."

واپس‌زدگی اجتماعی

بررسی یک به یک و مجدد مصاحبه‌ها، همچنین حرکات رفت و برگشتی بین مفاهیم و مقوله‌ها، پژوهشگر را به این نتیجه می‌رساند که مقوله اصلی "واپس‌زدگی اجتماعی" برآمده از تحلیل داده‌هاست. افراد وارد شده در این رابطه، هم قبل از رابطه و هم بعد از ورود به این نوع همبالمی، به نوعی سرخوردگی و واپس‌زدگی اجتماعی رسیده‌اند که با انتخاب این سبک از زندگی، رویه دور بودن از ارتباط با دیگران را پیش گرفته‌اند. حتی افرادی که قبل از هم‌بالمی با افراد زیادی در ارتباط و رفت و آمده بوده‌اند، سبک ارتباطی متفاوتی را انتخاب کرده و با خانواده خود نیز قطع ارتباط کرده‌اند. بسیاری از آنها بعد از گذشت مدتی، شور و هیجان اولیه خود را از دست می‌دهند و سرانجامی نامعلوم و مبهم را برای خود متصورند. آنها با اینکه به انتخاب خود باور دارند، ولی در نهایت خود را جدا از فرهنگ جامعه ایرانی و اسلامی به شمار می‌آورند و به مرور زمان دچار سرخوردگی و واپس‌زدگی می‌شوند.

مدل پارادایمی

بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها، مدل پارادایمی زیر در قالب شرایط علی، بسترها و زمینه‌ها، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدهای هم‌بالمی ارائه می‌شود.



مدل ۱: مدل پارادیمی پژوهش

*Model 1: Research Paradigm Model***نتیجه‌گیری**

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «واپس‌زدگی اجتماعی» سویه زیان رابطه‌ای است که افراد در هم‌بالینی با آن مواجه‌اند. عدم امنیت اجتماعی، عدم امنیت در پایداری رابطه، احساس عدم امنیت در مقابل خشونت‌های خانگی، عدم حمایت قانونی، بدبینی و کاهش اعتماد به جنس مخالف در صورت گسست رابطه، طرد اجتماعی، فاصله گرفتن از جامعه، کمرنگ شدن رابطه با خانواده، قطع ارتباط با آشنایان و رابطه محدود از مواردی هستند که به انزوای اجتماعی افراد هم‌بالین در جامعه دامن می‌زنند. آن‌ها نه تنها خانواده را محرم اسرار عاطفی و جنسی خود تصور نکرده بلکه با فاصله ارزشی بالایی که بین خود و آن‌ها

احساس می‌کنند، خانواده را به‌عنوان یک عامل اجتماعی محدود کننده بدون توجه به درک نیازهای خود تصور می‌نمایند. پنهان‌کاری از خانواده باعث کاهش اطلاع و سپس نفوذ خانواده بر رفتارهای عاطفی و جنسی سوژه‌ها شده و این در حالی است که شبکه روابط اجتماعی سوژه و گروه‌های دوستی و همالان او، نقش به‌سزایی در شکل‌گیری و تداوم این روابط بازی می‌کنند. همین امر، منجر به گسست نسلی عمیق بین سوژه با خانواده شده و این گسست در ابعاد وسیع‌تری همچون جامعه هم بسط پیدا می‌کند. دایره ارتباطات فرد محدود گشته و از شبکه خانواده، بستگان و آشنایان دوری می‌گزیند تا از عوارض عدم پذیرش اطرافیان نسبت به انتخاب سبک زندگی نامتعارف خود جلوگیری کند و پاسخگویی انتظارات اجتماعی دیگران نباشد. همه این موارد طرد، انزوا و واپس‌زدگی اجتماعی هر چه بیشتر او را در پی خواهد داشت. افرادی که این نوع از سبک زندگی را انتخاب می‌کنند در ابتدا معایب این سبک را بررسی نمی‌کنند، آنها با استدلال‌های سطحی این نکته را در نظر نمی‌گیرند که نفس ساختار مقبول خانواده و باور داشتن به یک پیوند دائمی می‌تواند چه تأثیر مثبتی بر پایداریتر کردن صمیمیت و عشق بین طرفین داشته باشند. ازدواج با آنکا بر پشتیبانی عرفی و قانونی، با ایجاد وفاداری جنسی بین زوجین و با برساختن یک تعهد دائمی و با ایجاد یک موقعیت اجتماعی برای زن و مرد به‌عنوان زوجین می‌تواند بهتر از انواع پیوندهای دیگر، صمیمیت و عشق را بین زن و مرد نهادینه کند (*Rahmatabadi & Karizi, 2017:99*); اما آن‌ها به مرور زمان به این نتیجه می‌رسند که چه بسا این نوع از همبازی دارای نقص و اشکالات زیادی است. برای نمونه حمایت قانونی برای زنانی که وارد این نوع از ازدواج شده‌اند، وجود ندارد و احتمال اینکه مورد خشونت واقع شوند وجود دارد. این زنان نمی‌توانند شکایت کنند زیرا که امکان دستگیری آنان به خاطر ارتکاب روابط نامشروع وجود دارد. باید این مورد را نیز در نظر داشت که افراد درگیر با همبالی‌بی‌دچار آسیب‌های روحی و روانی زیادی می‌شوند، مواردی مثل افسردگی، انزوا و میزان پایینی از رضایت عاطفی آسیبهایی است که بسیار مشکل‌ساز است. همچنین یکی دیگر از معایب این سبک از همبازی مشخص نبودن مسئولیت‌ها، تعهدات، تکالیف و حقوق طرفین می‌باشد که پایه‌های رابطه آنها را متزلزل می‌کند. نداشتن هدف مشترک اقتصادی نیز یکی از مشکلات پیش روی هر دو طرف می‌باشد.

اساساً عمر رابطه هم‌بالینی در ایران و جهان زیاد نمی‌باشد و احتمال جدایی زوجین درگیر با این رابطه به مراتب بیشتر از ازدواج رسمی است. چرا که طرفین تعهدی نسبت به یکدیگر ندارند و می‌توانند گزینه جدایی را به راحتی انتخاب کنند. تعهداتی که در ازدواج

رسمی وجود دارد جنبه‌های زیادی را در بر دارد؛ جنبه‌های حقوقی، اجتماعی، فردی و اخلاقی که حائز اهمیت نیز می‌باشد. در کشورهای اروپایی و آمریکا همبالیینی در یک دوره یک تا دو ساله یا به ازدواج رسمی ختم شده و یا اینکه به جدایی ختم می‌شود. البته بخش اعظمی از رابطه‌های همبالیینی در کشورهای غربی به دلیل آنکه فرهنگ و نوع نگرش جامعه غربی متناسب با سبک زندگی همچون همبالیینی است؛ به ازدواج رسمی و تشکیل خانواده منجر می‌شود ولی اکثر رابطه‌های همبالیین در جامعه ایرانی به دلایل بالا به جدایی منجر شده و همچون تجربه‌ای عاطفی و جنسی تلقی می‌شود. البته نمی‌توان به آن بخش از ازدواج‌های رسمی که ریشه در روابط قبل از ازدواج و شاید همبالیینی داشته باشد اشاره نکرد ولی به‌طور کلی نمی‌توان تعادلی بین مزایا و معایب همبالیینی در جامعه ایرانی پیدا کرد (yasa.co/blog/white-marriage).

بنابراین لازم است افراد به‌طور دقیق در مورد این نوع رابطه تفکر کرده و از انتخاب سطحی و عجولانه برای گزینش سبک زندگی زناشویی همچون همبالیینی خودداری نمایند. در واقع این نوع ازدواج برای جامعه ایرانی غیر قابل هضم بوده و دارای مشکلات زیادی است. مهم‌ترین معایب آن در جامعه ایرانی، عدم تعهد، خیانت جنسی به یکدیگر، مشکلات زیاد در روابط خانوادگی، عدم پذیرش از طرف جامعه و خانواده‌ها، عادی شدن فساد در جامعه می‌باشد. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که عدم قطعیت در مورد ثبات و طول عمر روابط مربوط به هم‌بالیینی، سرمایه‌گذاری در آن را برای هر دو طرف خطرناک می‌نماید. از سوی دیگر؛ گذراندن زندگی با یک شخص به جای ازدواج کردن با وی، جذابیت مقوله ازدواج را برای اشخاص کم می‌نماید و حتی در صورت پذیرش ازدواج دائم با همان فرد یا فرد دیگر، احتمال موفق شدن این اشخاص در زندگی مشترک و زناشویی به مراتب کمتر است. اشخاصی که مبادرت به همبالیینی می‌نمایند از سلامت و ضریب اطمینان جنسی و جسمی کمتری نسبت به ازدواج رسمی برخوردارند و چه بسا به دلیل عدم شناخت کافی از طرف مقابل‌شان، دچار مخاطرات و بیماری‌های مقاربتی شوند. همچنین بسیاری از افرادی که اقدام به انتخاب همبالیینی می‌نمایند، از کیفیت رابطه جنسی مناسبی بهره نبرده و دچار مشکلات مربوط به رضایت جنسی نیز می‌باشند البته عدم تحقق این موارد فقط وابسته به همبالیینی نیست و عوامل دیگر نیز مؤثر می‌باشند (yasa.co/blog/white-marriage).

به‌طور کلی همبالیینی علت فروپاشی نهاد خانواده نیست بلکه پیامد فروپاشی نهاد خانواده سنتی است. چون آن الگو پاسخگو نیست، و در آن الگو، مهارت حل مسأله آموزش

داده نشده است، چه افراد مذهبی و چه غیر مذهبی، چه سنتی و چه غیر سنتی، در مهارت‌های گفتگو و مذاکره رشد نکرده‌اند. الگوهای قدیمی افراد را به تکنیک‌ها و مهارت‌های ارتباطی مجهز نکرده است، و آن نوع خانواده آسیب زیادی دیده است و نوع جدیدی از خانواده به وجود آمده است. بنابراین باید به آسیب‌شناسی خانواده‌های سنتی پرداخت و مشکلات خانواده‌های مبداء که زمینه‌ساز گسست افراد از خانواده هستند را ریشه‌یابی کرد.

مهم‌ترین عامل پیشگیری از ورود افراد به رابطه همبالی، فرهنگ‌سازی است؛ در این شرایط باید با فراهم کردن زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی انجام داد؛ راه بعدی، آسان‌سازی زمینه ازدواج و شکل‌گیری خانواده و سومین راه آن، افزایش میزان پای‌بندی جوانان به ارزش‌ها و باورهای دینی و تشویق جوانان به ازدواج دائم می‌باشد، که می‌توان از میزان تمایل جوانان به روابطی از این نوع کاست و جامعه را از عوارض چنین روابطی مصون نگه داشت. نتایج این مطالعه می‌تواند برای مسئولان فرهنگی جامعه در یافتن راه‌های هنجارمند، اخلاقی و پذیرفته شده برای چنین روابط بین شخصی راهگشا باشد. همان‌گونه که کشورهای توسعه‌یافته دهه‌هاست به این مهم پی برده‌اند که برای پیشبرد منافع ملی و توسعه بیشتر باید بدانند که مردمان‌شان چگونه می‌اندیشند و چگونه عمل می‌کنند. اینکه افراد چگونه می‌اندیشند و چگونه عمل می‌کنند در سطوح مختلف فرهنگی و اجتماعی و شناخت روندهای آتی جامعه تأثیر بسزایی دارد.

References:

Abolfazli, P. (2017). Review of white marriage in Iran, The 5th National Conference of Criminal Law and Sciences. (Persian).

Ahmadi, K. (2017). "A room with an open door: a comprehensive research on white marriage in Iran", *Legal Studies Quarterly*, 21st issue, 159-176. (Persian).

Azad Aramaki, T.; Sharifi Sai, M. H.; Isari, M. and Talebi, S. (1391). "Cohabitation; emergence of new forms of family in Tehran", *Society for Cultural Studies*, third year, number 1, 43-77. (Persian).

Bazargan, A.; Sarmad, V.; Hejazi, E. (1391). *Research methods in behavioral sciences*. Tehran: Nash Agah. (Persian).

Blaikie, N. (2007). *Approaches to Social Inquiry*, 2nd edition, Cambridge: Polity.

Brown, S; Sanchez, L; Nock, S; Wright, J. (2006). "Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability, and divorce: A comparison of covenant versus standard marriages", *Social Science Research* 35 (2006), 454-470.

Farazeh, F.; Mahdavi, M. S.; Turkman, F. (2016). "Social construction, be together based on lived experience, be an example of each other", *Iranian Social Studies*, Year 11, No. 1, 92-119. (Persian).

Fathi, M.; Fekrazad, H.; Ghaffari, Gh.; Bowalhari, J. (2013). "The underlying factors of women's marital infidelity", *Social Welfare Quarterly*, Year 13, No. 51, 109-131. (Persian).

Flick, U. (2008). *An introduction to qualitative research*. Translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing.

Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (2005). "Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences", In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *The Sage handbook of qualitative research* (p. 191-215). Sage Publications Ltd.

Hariri, N. (2009). *Principles and methods of qualitative research*, 4th edition, Tehran, Islamic Azad University, Science and Research Unit. (Persian).

Hiekel, N. & Keizer, R. (2015). "Risk-avoidance or utmost commitment: Dutch focus group research on views on cohabitation

and marriage”, *Demographic Research*, Vol. 32, Article 10 | Pages 311–340.

Iran Statistics Center, <https://www.amar.org.ir>. (12/6/2021).

Khalajabadi Farahani, F.; Mehriar, A. (2009). “Investigating the role of family in relationships with the opposite sex before marriage in student girls in Tehran”, *Family Research Quarterly*, 6th year, No. 24, 468-449. (Persian).

Kulu, H., & Boyle, P. J. (2010). “Premarital Cohabitation and Divorce: Support for the ‘Trial Marriage’ Theory”, *Demographic Research*, 23(31), 879-904.

Mahboobi, E. (2016). “White Marriage”, in contemporary Iran, *Imperial Journal of Interdisciplinary Research (IJIR)*, 2(12), 1283-1288.

Matysiak, A. (2009). “Is Poland Really ‘Immune’ to the Spread of Cohabitation?”, *Demographic Research*, 21(8), 215-234. Doi: 10.4054/DEmRes. 2009.21.8.

Minoui, Z. (2013). “Reviewing the legal dimensions of white marriage”, *Iranian Women's Monthly*, Vol. 1, No. 5.

Mohammadpour, A. (2012). *Qualitative research method against method 1*. Tehran: Sociologists Publishing.

Neuman, W. L. (2007). *Basics of Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. 2nd Edition, Allyn and Bacon, Boston.

Newman, L. (2015). *Methods of social research: qualitative and quantitative approaches (Vol. 1)*, translated by Abolhassan Faqihi, Tehran: Termeh Publishing.

Nosratinejad, F.; Bahrami, G. (2016). “Determinants of cohabitation”, *Social Work Quarterly*, Year 6, No. 2, 35-42. (Persian).

Online Economics (2018). An alarming increase in the rate of absolute celibacy, <https://www.eghtesadonline.com/n/22Cv>, (9/9/2018). (Persian).

Rahmat Abadi, A.; Karizi, E. (2016). White marriage; Consequences and risks. *Islamic Studies of Taha Heritage*, No. 1, 77-102. (Persian).

Ramezani Far, H., Adish, M. A. (2017). “Study of lived experience of people about white marriage in Iran (qualitative

study of young people of Gilan)", *Social-cultural development studies*. Volume 7, Number 1, 195-217. (Persian).

Ritzer, G. (2014). *Sociological theory in the contemporary era*. Translated by Mohsen Talasi, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

Shukrbeigi, A. (2007). "Sociological investigation of modernism and social capital of the Iranian family", PhD thesis, Sociology, Islamic Azad University, Faculty of Psychology and Social Sciences, Tehran branch.

Sohrabzadeh, M.; Nowrozi, M.; Asgari Kaviri, A. (2016). "White marriage; motivations and contexts", *Lifestyle Sociology Quarterly*, Year 3, Number 9, 189-249. (Persian).

Strauss, A.; Corbin, J. (2019). *Basics of qualitative research; Techniques and stages of production of contextual theory*, translated by Ebrahim Afshar, Tehran: Nei Publishing.

Willets, Marion C. (2006). "Union Quality Comparisons Between Long-Term Heterosexual Cohabitation and Legal Marriage", *Journal of Family Issues* 27 (1): 110-127.

Yasa (2017). What is white marriage and how is it in Iran? yasa.co/blog/white-marriage, (12/1/2020). (Persian).

Zarrabi, V.; Mostafavi, S. F. (2018). "Investigating factors affecting women's marriage age in Iran: an economic approach", *Economic Research Quarterly*, 11(4), 33-64.

Zimmermann, O. & Hameister, N. (2019). "Stable cohabitational unions increase quality of life: Retrospective analysis of partnership histories also reveals gender differences", *Demographic Research*, Vol. 40 (January-June 2019), pp. 657-692.

Social Regression; Hematopoietic Pathology in Iran

Hamid Dehghani (Ph.D)¹, Fatemeh Akbarzadeh²
Ali Hashemian Far (Ph.D)³

DOI: 10.22055/QJSD.2023.39048.2536

Abstract:

In recent years, an important issue that has been promoted in the discussion of responding to the sexual needs of men and women is the relationship, which not only does not have a legal, religious and customary status in Iran, but also leads to many problems. This study tries to address the motivations and consequences of this new style of relationship. The present study was conducted using the data method of the foundation (Strauss and Corbin), through interviews with 17 people who entered into the hembinic relationship. After coding the data, 11 central categories of desire for individualism, unsuccessful emotional experience, doubts and fears, familiarity with the new style of relationship, the extent of damage and problems within the source family, insecure economic conditions, secrecy, denial of harm, feeling insecure, Individual isolation and deep separation with family were extracted. Social regression was also selected as the main category of the study.

Key Concepts: Pathology, Hematopoiesis, Regression, Data Foundation Method

¹ Assistant Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Responsible Author), h.dahghani@ltr.ui.ac.ir

² Ph.D. in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran, Irandokhtakbarzadeh2@gmail.com

³ Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran, j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

